

تأثیر ماهواره در بی‌ثباتی ازدواج؛ نقش واسطه‌ای دینداری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶

داریوش غفاری^۱، محمد سجاد صیدی^۲، خدیجه رضایی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر مشخص کردن تأثیر استفاده از ماهواره در بی‌ثباتی ازدواج، با آزمون نقش واسطه‌ای دین‌داری و نگرش مثبت به رابطه با جنس مخالف است. تعداد ۳۶۰ نفر نمونه این پژوهش از بین زوجینی که در سال ۱۳۹۳ در شهرستان کرمانشاه سکونت داشتند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های سنجش دین‌داری، استفاده از ماهواره، شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII) و مقیاس رابطه خارج از عرف با جنس مخالف، بر روی افراد نمونه اجرا شد. داده‌ها به روش آزمون رگرسیون تحلیل شد که نتایج نشان دهنده معناداری روابط متغیرهای پژوهش بود. رابطه استفاده از ماهواره و بی‌ثباتی ازدواج و استفاده از ماهواره و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف مثبت و معنادار بود. همچنین رابطه استفاده از ماهواره و دین‌داری و همچنین دین‌داری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف منفی و معنادار بود. بنابراین، نتایج این پژوهش حاکی از تأثیر منفی ماهواره بر ثبات ازدواج است. ماهواره این تأثیر را از طریق خرده مؤلفه‌های گوناگون برجای می‌گذارد که در پژوهش حاضر دو مؤلفه آن بررسی شد.

واژگان کلیدی: بی‌ثباتی ازدواج، طلاق، دین‌داری، ماهواره.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، مدرس گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: darghafari@yahoo.com

۲. استادیار گروه مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
Email: M.seydi@razi.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
Email: Psyrezaee_94@yahoo.com

*این پژوهش با حمایت مالی اداره کل ورزش و جوانان استان کرمانشاه انجام گرفت.

۱. مقدمه

به نظر می‌رسد در دنیای معاصر ساختار ازدواج در خطر بی‌ثباتی و متلاشی شدن است. (ولفیتگر، ۲۰۱۵) مفهوم بی‌ثباتی ازدواج، قطب منفی پیوستاری که تداوم و پیوستگی ازدواج را نشان می‌دهد، قرار دارد. بی‌ثباتی ازدواج به زندگی زوج‌هایی اشاره دارد که طلاق نگرفته‌اند، ولی به دنبال جدایی از یکدیگرند و احتمال جدایی و طلاق در بین آنها بالا است (اوراتینکال، و کورین، ۲۰۱۴). به عبارتی این مفهوم، وضعیت زوج‌هایی را توصیف می‌کند که ازدواجشان در موقعیتی خطرناک و نامتعادل قرار گرفته است و فاصله چندان با طلاق ندارند و زن یا مرد (در یک رابطه همسری) به طلاق می‌اندیشد و یا اعمالی انجام می‌دهد که به پایان رساندن ازدواج گرایش دارد.

بی‌ثباتی ازدواج و در نتیجه طلاق، مسئله‌ای فردی نیست که عواقب و عوارض آن فقط متوجه افراد درگیر در آن شود، بلکه معضلی اجتماعی است که کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طلاق یک معضل سلامت عمومی در نهاد اجتماعی خانواده است که اثرات آن به فرزندان نیز منتقل می‌شود به نحوی که برخی معتقدند بیشترین آثار سوء طلاق متوجه فرزندان است. (نصراللهی، و همکاران، ۱۳۹۲)

مبرهن است که اولین گام برای کنترل و مقابله با هر مشکل و بحرانی شناخت عوامل ایجادکننده آن و نیز میزان اثرگذاری هر یک از این عوامل است. پژوهشگران از عوامل متعددی در ایجاد بی‌ثباتی و طلاق نام برده‌اند که از جمله این عوامل می‌توان به ماهواره و رسانه‌های جمعی (اسماعیلی، و یوسفی، ۱۳۹۳) اشاره کرد.

گسترده‌گی ماهواره در جوامع و حضور آن حتی در حریم خلوت و خصوصی مردم، این ابزار را به پذیرفته‌ترین پیام‌آور و پذیرفتنی‌ترین فرمانروای اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرده است. از این رو، در انتقال دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها، باورها و ارزش‌ها نقش مهمی دارد که به شکل‌گیری و تغییر شناخت‌ها، عقاید، ارزش‌ها و رفتار جوامع منجر می‌شود. (اسدی، ۱۳۹۳)

برخی مطالعات نشان می‌دهد، مشاهده زیاد تلویزیون و ماهواره نگرشی را پرورش می‌دهد که با تلویزیون و ماهواره هماهنگ است، نه با واقعیت، که در افراد تصویرسازی‌های خاص ذهنی به وجود می‌آورد و این دو در جایگاه مهم‌ترین رسانه‌های تصویری آثار

بلندمدتی در نگرش بینندگان به وجود می‌آورد. (باصری، ۱۳۸۹؛ خواجه‌نوری، ۱۳۹۴؛ پرنیان، ۱۳۹۴)

بنابراین دیدگاه، کسانی که مصرف رسانه‌ای بیشتری دارند در مقابل کسانی که مصرف رسانه‌ای کمتری دارند به سبک‌های زندگی نمایش داده‌شده در رسانه‌های دیداری و شنیداری تمایل بیشتری دارند. حال آنکه امروزه برنامه‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای حاوی محتواهایی است که در آن پایبندی و وفاداری به خانواده و ارزش‌های اخلاقی مضحک و عوامانه به نظر می‌رسد. به طور کلی، تضعیف ارزش‌های سنتی و گاه تضاد ارزشی در بین زوجین به واسطه تغییر ارزش‌ها، احتمال ناهنجاری‌های مختلف از جمله طلاق را افزایش می‌دهد. از دیگر اثرات غیرمستقیم ماهواره بر ثبات ازدواج، تقلیل دین‌داری اشخاص است. دین به مثابه یک سامانه وسیع، متشکل از برنامه‌های زیادی برای هدایت بشر است (باوری، ۱۳۹۴).

دین و تجلیات آن (مانند دین‌داری) در عرصه اجتماع، زنده و پویا است و زمانی که از انواع دین‌داری صحبت می‌شود، این پیش‌فرض مطرح است که دین‌داری امری انسانی - اجتماعی، واجد تکثر و تنوع است و در واقع دین‌داری‌ها مطرح است نه دین‌داری. (حسن‌پور، ۱۳۹۴) البته میزان تجلیات دین در پیروانش، در یک دامنه کمی - کیفی قرار می‌گیرد. در تحقیق حاضر میزان تبعیت و تسلیم بودن در برابر دین اسلام ملاک قرار گرفته است.

قرار گرفتن در معرض مدرنیته و شاخصه‌های آن از جمله عقلانیت، فردگرایی، مصرف‌گرایی و... همواره تغییراتی در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و همچنین فرهنگ و نگرش‌های دینی به دنبال دارد. (نصرتی، ۱۳۹۱؛ و ذوالفقاری، ۱۳۹۱) بیشترین اهداف و تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای در حوزه‌های روی آوردن جوانان به انواع موسیقی غربی، گرایش به مدگرایی افراطی، تضعیف باورهای دینی، بسترسازی و از خودبیگانگی دینی و فرهنگی، الگوپذیری از نظام فرهنگی - اجتماعی و سبک زندگی غربی، دین‌گریزی، ترک نماز و سایر واجبات دینی، دوری از قرآن و دعا و نیایش، گرایش به آرایش‌های مبتذل، ترویج سکولاریسم و جدایی دین از سیاست، افزایش ناهنجاری‌های رفتاری در خانواده، بی‌احترامی به والدین و ترویج اندیشه و فرهنگ برهنگی است (بختیاری، ۱۳۹۱؛ و فرخی، ۱۳۹۱). تحقیقات از تفاوت قابل توجه میانگین اعتقادات و باورهای دینی در بین کسانی که به ماهواره دسترسی دارند و کسانی

که دسترسی ندارند، خبر می‌دهند. چنانچه کسانی که از ماهواره استفاده نمی‌کنند، بیشتر به باورها و رفتارهای دینی پایبند بوده‌اند؛ این در حالی است که اثرات دین‌داری بر رضایت زناشویی زوجین، مورد تأیید پژوهش‌های متعدد است (منجری، شفیع‌آبادی، و سودانی، ۱۳۹۱).

اولین تبعات کاهش دین‌داری، گرایش به موضع‌آزاداندیشانه نسبت به برقراری رابطه خارج از عرف با جنس مخالف است. شکل‌گیری روابط میان فردی در عصر تکنولوژی و به دنبال آن افزایش گرایش به تحصیلات و توسعه حضور زنان در اجتماع، امری اجتناب‌ناپذیر است، اما این موضوع چیزی از مذموم‌انگاری روابط بدون چارچوب و دوستانه نمی‌کاهد. تبعات سوء روانی، جسمی و عملکردی این نوع روابط، سبب نگرانی‌های والدین و متخصصین علوم انسانی شده و به دنبال پیگیری علل و عوامل زمینه‌ساز آن ردپایی از ماهواره به چشم می‌خورد که با عنوان علل اجتماعی این روابط مورد بررسی قرار می‌گیرد. (بیوسفی، عابدی، و طاهرنشاط، ۱۳۸۶) در جوامعی که از ابتدای ساختاریابی تعهد مردان و زنان به همسر جزء لاینفک ثبات خانواده بوده است، انتظار اینکه افراد بتوانند در مقابل بی‌تعهدی‌های همسران خود بی‌تفاوت باشند، انتظاری باطل و بی‌اساس است. حال آنکه تبلیغات ماهواره‌ای انگیزه برقراری چنین روابطی را موجه می‌پندارد. همین برخورد اندیشه‌ها و عدم برآورده شدن انتظارات طرفین، به معنی مقدمه عدم ثبات خانواده است.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف در گروه تحقیقات کاربردی و از نظر ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی است؛ چراکه در نظر دارد با درک پیچیدگی نظری و عملیاتی مفهوم بی‌ثباتی ازدواج با رویکرد بازشناسی بستر مطالعه، نتایج را به خروجی‌های کاربردی متصل سازد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل همه زوج‌هایی است که در سال ۱۳۹۳ در شهر کرمانشاه سکونت داشتند. با توجه به اینکه تعداد افراد جامعه حدود ۳۶۷۲۰۰ نفر بود با استفاده از فرمول کوکران (با در نظر گرفتن آلفای ۰/۰۵) حداقل تعداد افراد نمونه ۳۶۰ در نظر گرفته شد که با

استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. پس از انتخاب مناطق شهر با روش خوشه‌ای، افراد نمونه به صورت در دسترس در هر منطقه و با مراجعه به درب منازل و همچنین در مکان‌های عمومی مثل پارک‌ها، فروشگاه‌ها انتخاب شدند. ابتدا توضیحاتی در مورد هدف کلی پژوهش و رازداری در همه مراحل پژوهش به شرکت‌کنندگان داده شد و سپس پرسشنامه‌ها در اختیار یکی از زوجین قرار گرفت و در حضور محققین پاسخ داده شد. معیارهای ورود به پژوهش، گذشتن حداقل سه سال از تاریخ ازدواج، رسمی و قانونی بودن ازدواج و تمایل به شرکت در پژوهش بود که با حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش، داده‌های حاصل از ۳۶۰ پرسش‌نامه تحلیل شد.

۳-۲. ابزار پژوهش

۱-۳-۲. شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII)

این شاخص یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری بی‌ثباتی و به طور خاص، تمایل به طلاق طراحی شده است. (ادواردز، جانسون، و بوث، ۱۹۸۷) MII بر مبنای این ایده که هم شناخت‌ها و هم رفتارها برای ارزیابی بی‌ثباتی و احتمال طلاق زوج‌ها مهم بشمار می‌آیند، ساخته شده است. این ابزار در یک مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرتی تهیه شده است. در پژوهش ادواردز و همکاران (۱۹۸۷) پایایی (به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳)، روایی سازه و نیز روایی واگرایی آن با ابزارهای شادکامی زناشویی و تعاملات زناشویی مطلوب گزارش شده است. همچنین از نظر ندرلیک (۲۰۱۱) این ابزار روایی پیشین بسیار خوبی دارد. ضریب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۷ به دست آمد.

۲-۳-۲. مقیاس رابطه با جنس مخالف خارج از عرف

این ابزار توسط محققان و با هدف سنجش نگرش به روابط خارج از عرف با جنس مخالف ساخته شده است. محققان برای دستیابی به این هدف شرکت‌کنندگان می‌خواهند تا نظر خود را در مورد دو گزاره با محتوای «داشتن روابط دوستی با جنس مخالف خارج از چهارچوب ازدواج برای مردان» و «داشتن روابط دوستی با جنس مخالف خارج از چهارچوب ازدواج برای زنان» بیان کنند. آنها باید پاسخ‌های خود را در یک طیف لیکرتی

پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم کنند. روایی محتوایی مقیاس به تأیید سه نفر از متخصصان این حوزه رسید. همچنین در پژوهش حاضر ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ $0/89$ به دست آمد.

۲-۳-۳. پرسش‌نامه استفاده از ماهواره

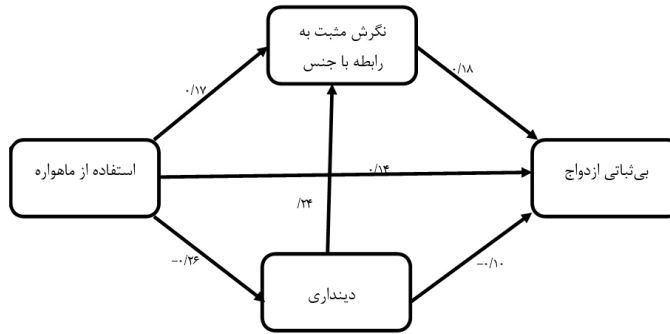
برای اندازه‌گیری این متغیر از پرسش‌نامه محقق ساخته، استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ده سؤال و براساس طیف پنج ارزشی لیکرتی محاسبه شد و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر $0/78$ به دست آمد.

۲-۳-۴. پرسش‌نامه دین‌داری

برای اندازه‌گیری این مفهوم از پرسشنامه سراج‌زاده و فیضی (۱۳۸۶) استفاده شد. این ابزار با استفاده از ۹ عبارت با ابعاد اعتقادی، عاطفی و مناسکی و پی‌آمدی مدل گلاک و استارک و براساس طیف پنج ارزشی لیکرت طراحی شده است. در مطالعه سراج‌زاده و فیضی، پایایی آن به روش آلفای کرونباخ $0/85$ و در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ $0/85$ به دست آمد.

۳. یافته‌های پژوهش

تعداد زنان شرکت‌کننده در این پژوهش ۱۹۱ نفر، معادل $26/1\%$ و با میانگین سنی $37/9$ بود و تعداد مردان ۹۴ نفر، معادل $53/1\%$ ، با میانگین سنی ۴۳ بود. به طور کلی ۷۵ نفر از شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه‌ها را بی‌پاسخ گذاشتند. با توجه به اینکه پرسشنامه‌ها طوری طراحی شدند که ویژگی‌های مربوط به خانواده‌های مشخص را بسنجند، به نظر می‌رسد که تعادل در تفکیک جنسیت در نتایج پژوهش دخالتی نداشت. سطح تحصیلات همواره از مهم‌ترین مواردی است که در پژوهش‌های مختلف بدان توجه می‌شود. بیشتر شرکت‌کنندگان در این پژوهش دارای سطح تحصیلات دیپلم و کارشناسی بودند که توزیع سطح تحصیلات در هر دو جنس تفاوت زیادی نداشت.



شکل شماره ۱: تحلیل مسیر مدل فرضی پژوهش

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که متغیر استفاده از ماهواره رابطه‌ای مثبت ($R=0/14$)، با بی‌ثباتی ازدواج برقرار کرده است. این بدین معناست که هر چه استفاده از ماهواره در خانواده‌ها بیشتر باشد، خانواده‌ها در موضع بی‌ثبات‌تری قرار می‌گیرند. همچنین این متغیر رابطه‌ای مثبت ($R=0/17$) را با نگرش مثبت نسبت به ارتباط با جنس مخالف نشان داد که به معنی افزایش نگرش مثبت نسبت به برقراری رابطه با جنس مخالف به دنبال استفاده از ماهواره است. از طرفی، این نگرش توانسته است رابطه مثبتی ($R=0/18$)، با بی‌ثباتی برقرار کند. بدین معنا که هر چه نگرش مثبت‌تری نسبت به آزادی روابط بین دو جنس وجود داشته باشد، بی‌ثباتی ازدواج بیشتر خواهد بود. دین‌داری، رابطه معکوس ($R=-0/18$)، با طلاق برقرار کرده است. این نتیجه نشان می‌دهد که بالا بودن سطح دین‌داری در خانواده به منزله ثبات بالاتر در زندگی خانوادگی است. همچنین نگرش نسبت به برقراری ارتباط با جنس مخالف و دین‌داری رابطه معکوس ($R=-0/10$)، ($R=-0/18$)، ($P < 0/01$) با بی‌ثباتی ازدواج برقرار کردند.

پس از محاسبه اثرات غیرمستقیم متغیر استفاده از ماهواره بر بی‌ثباتی ازدواج از طریق متغیرهای «نگرش مثبت به رابطه با جنس مخالف و دین‌داری» و نیز اثر غیرمستقیم «دین‌داری بر بی‌ثباتی ازدواج از طریق نگرش مثبت به رابطه با جنس مخالف»؛ از روش «بوتاسترپا ۱۰۰۰» نمونه‌گیری مجدد برای سنجش معناداری اثرات غیرمستقیم استفاده شد. این تحلیل نیز با استفاده از نرم‌افزار Amos نسخه ۱۸ انجام پذیرفت که نتایج آن در

جدول «شماره ۱» گزارش شده است.

جدول شماره ۱: نتایج بررسی معناداری اثرات غیرمستقیم مدل

معناداری	حد بالا	حد پایین	اثر غیرمستقیم	مسیر غیرمستقیم
۰/۰۰۲	۰/۱	۰/۰۴	۰/۰۷	استفاده از ماهواره به بی‌ثباتی ازدواج (با واسطه دین داری و نگرش مثبت به رابطه با جنس مخالف)
۰/۰۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۷	-۰/۰۴	دین داری به بی‌ثباتی ازدواج (با واسطه نگرش مثبت به جنس مخالف)

نتایج جدول «شماره ۱» نشان می‌دهد که مسیرهای غیرمستقیم استفاده از ماهواره به بی‌ثباتی ازدواج و دین داری به بی‌ثباتی ازدواج معنادار شد. این به معنای تأیید نقش واسطه‌ای دین داری و نگرش مثبت به رابطه با جنس مخالف و نشان‌دهنده کاهش دین داری و نیز افزایش نگرش مثبت به رابطه با جنس مخالف در کاربران ماهواره است که موجب بی‌ثباتی ازدواج خواهد شد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهشگران عوامل متعددی را علل و زمینه بروز بی‌ثباتی و طلاق در خانواده‌ها می‌دانند. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل اقتصادی به ویژه بیکاری (نصراللهی، غفاری گولک، پروا، ۱۳۹۲)، خشونت و پرخاشگری، ساختار بدکارکرد خانواده (پروین، داودی، و محمدی، ۱۳۹۱)، تصویر مثبت از پیامدهای طلاق (قادرزاده، قادرزاده، و حسن پناه، ۱۳۹۲)، خیانت زناشویی (مدرسی، زاهدیان، و هاشمی محمدآباد، ۱۳۹۳)، ویژگی‌های شخصیتی، ماهواره و رسانه‌های جمعی (اسماعیلی، و صید یوسفی، ۱۳۹۳) و... اشاره کرد. رابطه اخیر، یعنی ارتباط بین استفاده از ماهواره و بی‌ثباتی ازدواج در پژوهش حاضر نیز به اثبات رسید.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که فرهنگ هر جامعه‌ای از مناسبات زندگی روزمره آن سرچشمه می‌گیرد. جامعه و فرهنگ در تناظر باهم قرار دارند و همدوش هم تغییر می‌کنند و تحول می‌یابند. ورود هر عامل بیگانه به این مناسبات سبب جابجایی غیر کارکردی (معیوب) عناصر فرهنگی و اجتماعی خواهد شد و موجب آسیب‌هایی می‌شود که زندگی روزمره را دچار مشکل خواهد کرد. محمل ماهواره (به عنوان یک عامل بیگانه) در

ایران، خانواده‌ها هستند که به نوبه خود مهم‌ترین نهاد اجتماعی و بنیان انتظام اجتماعی می‌باشند. براین اساس، مهم‌ترین اثر ماهواره متوجه مهم‌ترین بنیان اجتماع است و آسیب‌های آن در گام اول متوجه خانواده‌ها و اعضای آن است؛ خانواده‌ای که در ذهن زن و مرد تقدس و احترامی لایزال دارد و تغییر در آن به اغتشاش ذهنی، ناآرامی و نارضایتی از زندگی منجر می‌شود.

ماهواره با حضور در خانه ایرانیان به خصوصی‌ترین حوزه‌های زندگی آنان دسترسی پیدا کرده و با نمایش مناسبات و روابط ناسازگار با زندگی ایرانی-اسلامی، الگوهای مختلف زندگی خانوادگی را معرفی می‌کنند. این در حالی است که محتویات چنین روابط و ارتباطاتی بر اساس واقعیات زندگی ایرانی-اسلامی بنا نشده است و با عناصر دینی و آیین اسلامی فاصله‌ای پرنشدنی دارد. ورود ماهواره به فضای خانواده مساوی است با اختصاص زمانی برای دنبال کردن برنامه‌های آن. این در حالی است که تلاش شبکه‌های ماهواره‌ای در جذب تماشاگران، سبب گسترش و تنوع هرچه بیشتر برنامه‌ها می‌شود و این موضوع اشتیاق بیشتر کاربران برای استفاده از آن را به دنبال دارد که در نهایت، کاهلی در تکالیف نقشی را به دنبال خواهد داشت. قصور و کم‌کاری در انجام درست نقش‌ها موجب تعارضات زناشویی و مقدمه‌ای برای بهانه‌گیری‌ها می‌باشد که طلاق عاطفی و قانونی مراتب بعدی آن است. همچنین بر اساس نتایج پژوهش حاضر، استفاده از ماهواره سبب ایجاد نگرش مثبت نسبت به برقراری رابطه با جنس مخالف خارج از عرف و فرهنگ می‌شود؛ نگرشی که قاتل خاموش ثبات ازدواج زوجین است. چرایی این تأثیر را می‌توان در عقاید صاحب‌نظران جستجو کرد، چنانکه رابرت معتقد است هنگامی که جامعه‌ای در حال دگرگونی سریع است، بسیاری از انسان‌ها دچار سردرگمی می‌شوند، قواعد و هنجارهای سنتی برایشان کم‌ارزش به نظر می‌رسد و ارزش‌های جدید و منطبق با واقعیت نیز جان‌یافته است. در جامعه در حال گذر، دو ساخت اجتماعی همچنان موجودند؛ ساخت کهن و ساخت جدید. در نتیجه برخی از ساخت نوین و برخی دیگر از ساخت کهن تبعیت می‌کنند، ولی اکثریت بین دو ساخت اجتماعی سرگردانند؛ بر اساس ساخت کهن می‌اندیشند، اما به مقتضای واقعیت بر حسب ساخت جدید عمل می‌کنند، گاه در یک امر (ازدواج) دو ساخت متمایز با

هم عمل می‌کنند و تناقض می‌آفرینند (ساروخانی، ۱۳۹۲) و «دو ساختی شدن» جامعه، مسبب بروز طلاق بین زوج‌ها می‌شود. در واقع پدیده‌هایی همچون شهرنشینی، صنعتی شدن، بالا رفتن سواد و تحصیلات، افزایش حضور زنان و دختران در جامعه، تغییر در سبک زندگی و افزایش روزافزون رسانه‌های ارتباطی و نیز گسترده شدن مکان‌های حضور زنان و مردان موجب شده است که افراد نگرش مثبتی به رابطه با جنس مخالف پیدا کنند و بدان گرایش داشته باشند (سیدان، ۱۰، و اولادی قادیکلایی، ۱۳۹۱). این در حالی است که ساخت کهن جامعه ایرانی - اسلامی مبتنی بر مجوز برقراری رابطه دوستانه و صمیمانه، فقط از طریق ازدواج است. بنابراین، تضاد ارزشی بین این دو ساخت که بیشتر از طریق تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای صورت می‌گیرد، مقدمه بروز اختلاف و ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده است.

از طرف دیگر نگرش مثبت به رابطه نامتعارف با جنس مخالف و شکسته شدن حرمت آن، موجب حذف مانع شناختی ورود به روابط خارج از ازدواج می‌شود و احتمال این امر به شدت بالا خواهد رفت. زوج‌هایی که وارد روابط نزدیک و عاشقانه با افرادی خارج از رابطه ازدواج می‌شوند، دچار توهمی از رابطه می‌شوند که در بستری از عدم مسئولیت به وجود می‌آید. همین ادراک نادرست و توهمی، موجب می‌شود افراد رابطه کنونی با همسر را بسیار کم‌ارزش و بی‌کیفیت ارزیابی کنند و به دنبال ارضای نیازهای روان‌شناختی خود در جایی به غیر از ازدواج باشند.

از دیگر تبعات استفاده از ماهواره، تزلزل دین‌داری اشخاص است. دلیل این امر نخست، محتوای برنامه‌های ماهواره‌ایی است که باورهای دینی - اسلامی را مورد حمله قرار داده است که حداقل تغییر ممکن در کاربران، شک و تردید نسبت به درستی آیین‌ها و یا ضرورت محدودیت‌های اسلامی است. در این حین، دم زدن از آزادی‌ها و استقلال فردی، سبب قانع‌سازی مخاطب به عدم وجود مشکل به دنبال پیروی از الگوهای ارائه شده توسط آنان خواهد شد. همچنین مطابق نظریه ناهماهنگی شناختی، درست زمانی که یک شخص دیندار، برنامه‌هایی متضاد با باورهای دینی‌اش را می‌بیند یا می‌شنود، ناهماهنگی شناختی در وی ایجاد می‌شود که یا خود وی آنقدر فرد بی‌عفت است که چنین برنامه‌هایی را دنبال می‌کند و یا پیام‌های برنامه خیلی هم خارج از عقلانیت و به

اصلاح اشتباه نیست و از آنجا که فرد به دنبال حفظ حرمت خود است، نظر اول را به کل رد کرده و نظر دوم، پذیرفته می‌شود که این یعنی، تزلزل و تنزل دین داری اشخاص. این درحالی است که بین دین داری و بی‌ثباتی ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد. در تبیین این امر می‌توان به اثر دین داری بر تعهد زناشویی اشاره کرد (محمدی... و همکاران، ۱۳۹۳). دین داری با اثرگذاری بر سیستم شناختی و باورهای همسران تعهد را در ازدواج ایجاد می‌کند. افراد دین دار ازدواج را امری مقدس تلقی می‌کنند و خود را بدان متعهد می‌دانند. از طرف دیگر دین به طور غیرمستقیم و با افزایش مؤلفه‌هایی همچون شادکامی و کیفیت ارتباط و رضایتمندی (لمبرت... و دوله‌هایت، ۲۰۰۸؛ بین، ۲۰۱۰) مانع بی‌ثباتی ازدواج و بروز پدیده طلاق می‌شود. همچنین دین داری می‌تواند با ایجاد شادی و نشاط، همسران را از لحاظ نیازهای تفریح و هیجان طلبی به خوبی ارضا کند (بخشی پور... و رمضان زاده، ۱۳۹۳).

متخصصان بر این باورند که افراد دین دار به خوبی می‌توانند هیجان‌های خود را کنترل و مدیریت کنند؛ (محمدی... و مزیدی، ۱۳۹۳) الگوهای عملی بی‌نظیری برای چگونگی رفتار با دیگران از جمله همسران خود برخوردارند؛ خزانه‌ای غنی از توصیه‌ها و آموزه‌های دینی مفید در مورد رابطه با همسر دارند و در نهایت خودشان شادتر زندگی می‌کنند که این موارد سبب ایجاد نشاط و رضایت در رابطه زوجی خواهد شد (منجری... شفیع آبادی... و سوادنی، ۱۳۹۱). هر چه نشاط و رضایت در رابطه بین همسران بالاتر باشد، احتمال شکست و بی‌ثباتی آن کمتر خواهد بود (بخشی پور... و رمضان زاده، ۱۳۹۳).

سرعت پیشروی مسئله طلاق، نگرانی‌ها را برانگیخته و به نظر می‌رسد قبل از آنکه به مرز اضطرار برسد، باید تدابیری اندیشیده شود؛ چراکه در این شرایط با نسلی روبه‌رو خواهیم شد که حاصل زندگی تک‌والدی بوده و تجربه تلخ طلاق، در آنها احساس ترس و تنفر نسبت به پدیده ازدواج پرورش داده است که از همان ابتدای تشکیل زندگی دنبال برنده شدن در جنگ نامریی زندگی زناشویی خواهد بود که نتیجه این مسئله نیز چیزی جز ادامه روند جدایی نیست.

بررسی‌های صورت گرفته، نشان دهنده نقش ماهواره در بی‌ثباتی زندگی زوجین است. از این رو، باید به خانواده‌ها اخطار داد که تولیدات این رسانه هیچ مناسباتی با فرهنگ

غالب زندگی ایرانی - اسلامی ندارد و با ظاهری فریبنده زندگی خانوادگی را به مرز بی ثباتی و طلاق می کشاند. در حالی که دین داری و پیروی از دستورات دینی ضمن اینکه سبب آرامش خاطر شخصی می شود از طریق پرورش نگرش منفی در شخص دین دار نسبت به برقراری رابطه خارج از عرف، سبب تلاش وی برای ایجاد موقعیت های شادی آور در رابطه همسری خود می شود که ثبات ازدواج نتیجه آن خواهد بود.

فهرست منابع

۱. اسدی، عباس (۱۳۹۳). گرایش دانشجویان به رسانه ها با تأکید بر شبکه های ماهواره ای و سنجش پیامدهای آن. نشریه فرهنگ در روانشناسی اسلامی، ۴(۳)، ۳۲۳-۳۵۲.
۲. اسماعیلی، عبد...، صید یوسفی، احسان (۱۳۹۳). تأثیر تعامل خانواده و ماهواره بر بروز پدیده طلاق. اولین همایش علمی - پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران. انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران.
۳. باصری، احمد، حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۹). کارکرد رسانه های ماهواره ای در تصویرسازی مردم. نشریه روانشناسی نظامی، ۴(-)، ۸۱-۹۱.
۴. بختیاری، حسن، فرخی، حسن (۱۳۹۱). بررسی رابطه شبکه های ماهواره ای تلویزیونی و هویت دینی جوانان. نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۵(۲۰)، ۵۵-۷۲.
۵. بخشی پور، باب الله، رمضانزاده، ثریا (۱۳۹۳). دین داری، شادکامی می آورد؟ نگرش های مذهبی و رابطه ی آن با شادکامی در نوجوانان دبیرستانی. نشریه رشد آموزش مشاور مدرسه، ۹(۴)، ۷-۱۱.
۶. پروین، ستار، داودی، مریم، محمدی، فریبرز (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۵۶(۱۴)، ۱۱۹-۱۵۳.
۷. حسن پور، آرش، معمار، ثریا (۱۳۹۴). مطالعه وضعیت دینورزی جوانان با تأکید بر دین داری خود مرجع. نشریه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، ۳(۸)، ۹۹-۱۳۱.
۸. خواجه نوری، بیژن، لیلیا، پریشان (۱۳۹۴). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و هویت اجتماعی. نشریه جامعه شناسی کاربردی، ۵۶(۲۴)، ۶۵-۸۴.
۹. ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. سراج زاده، حسین، فیضی، ایرج (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی. نشریه نامه علوم اجتماعی، ۳۱(دوره جدید)، ۸۲-۱۰۲.
۱۱. قادرزاده، امید، قادرزاده، هیرش، حسن پناه، حسین (۱۳۹۲). عوامل پیش بینی کننده گرایش زوجین به طلاق در مناطق مرزی. نشریه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۱)، ۱۰۲-۱۱۸.
۱۲. محمدی، بهناز، زهرا، کیانوش، رضا، داورنیا، شاکرمی، محمد (۱۳۹۳). بررسی نقش دین داری و ابعاد آن در پیش بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. نشریه دین و سلامت، ۲(۱)، ۱۵-۲۴.
۱۳. محمدی، حمیده، مزیدی، محمد (۱۳۹۳). نقش دین داری در پیش بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان دانشجویان. نشریه فرهنگ در دانشگاه، ۱۳(۴)، ۶۰۶-۶۲۰.
۱۴. مدرسی، فریبا، زاهدیان، سید حسین، هاشمی محمدآبادی، نذیر (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. نشریه/امغان دانش، ۸۴(۱۹)، ۷۸-۸۸.
۱۵. منجزی، فرزانه، شفیق آبادی، عبدالله، سودانی، منصور (۱۳۹۱). بررسی اثر ارتباط اسلامی و نگرش های مذهبی بر بهبود رضایت زناشویی. نشریه تحقیقات علوم رفتاری، ۱(۱۰)، ۳۰-۳۷.
۱۶. نصراللهی، زهرا، غفاری گولک، مرضیه، پروا، علی اکبر (۱۳۹۲). عوامل تعیین کننده طلاق در ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی. نشریه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، ۴(۱۱)، ۱۶۵-۱۸۶.

۱۷. نصرتی، شیماء، ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۹۱). تأثیر میزان دین داری بر سبک زندگی جوانان تهرانی. نشریه پژوهش اجتماعی، ۴(۱۴)، ۱۰۱-۱۱۶.
۱۸. یآوری، سمیرا، نوری، ربابه، حسن آبادی، حمید رضا (۱۳۹۴). مدل ساختاری مصرف مواد در دانشجویان، نقش معنویت، الگوگیری اجتماعی و نگرش مواد. نشریه/اعتیاد پژوهی، ۳۳(۱۱)، ۱۴۶-۱۶۴.
۱۹. یوسفی، زهرا، عابدی، محمدرضا، طاهر نشاط، حمید (۱۳۸۶). بررسی نگرش والدین شهر اصفهان نسبت به روابط دوستانه دختران و پسران. نشریه خانواده پژوهی، ۳(۱۰)، ۶۰۱-۶۱۸.
20. Edwards, J. N., Johnson, D. R., and Booth, A. (1987). Coming apart: A prognostic instrument of marital breakup. *Journal Family Relations*, 36 (-), 168-170.
21. Lambert, N. M. and Dollahite. D.C. (2008). he Threefold Cord: Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*, 29 (-), 592- 614.
22. Wolfinger ,N.,H. (2015). *Unerstanding the Divorce Cycle: the Children of Divorce in their own Marriages*. Oxford: university Press.
23. Orathinkal,J. & Kurian,J. (2014). Family life and Marital Spirituality. *Journal Perspectives of Catholic Laity Catalst*, 44(2), 117-128.
24. Payne, P. B. (2010). *Spiritual beliefs in Family Experiences and Couples Cocreation of spiritual beliefs During The Early Years of Marriage*. Doctoral dissertation, Northon School of Family And Consumer Sciences Division of Family studies and Human Development.
25. Vanderbleek. L., Robinson. EH., Casado-Kehoe, M., and Young, ME. (2011). The relationship between play and couple satisfaction and stability. *The Family Journal* , 19(2), 9-21.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د مرستې
پرتال جامع علومو انساني